حادثه‌ها

انفجار یک خانه ۴ مصدوم برجای گذاشت

• **ایرنا:** مسئول ایستگاه آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شـهرداری محلات گفت: یک واحد مسکونی صبح روز دوشنبه در این شـهر دچار انفجار و آتش‌سوزی شد. محمود فلفلی افزود: با تماس تلفنی شهروندان مبنی بر آتش‌سـوزی یک واحد مسکونی، نیروهای عملیاتی به محل حادثـه که در خیابان انقلاب بود، اعزام شدند. وی ادامه داد: بر اثر این انفجار چهار نفر ساکن این واحد مسـکونی که از تبعه افغان بودند، دچار سـوختگی و مصدومیت شـدند که به وسیله عوامل اورژانس به بیمارسـتان امـام خمینی (ره) و پس از آن نیز به دلیل سـوختگی شـدید به مرکز درمانـی ولیعصر (عج) اراک منتقل شـدند. فلفلی اظهار کرد: سـوختگی مصدومان این حادثه ۳۵، ۴۵ و ۶۵ درصد اعلام شده است. وی توضیح داد: علت این انفجار و آتش‌سوزی نشت گاز از سه‌راهی و شیر فاقد سرپوش و بی‌احتیاطی و انداختن حوله بر دسته گاز اعلام شده است.

کشف بیش از یک تُن تریاک

• **میزان:** در دو عملیات در صبح روز یکشـنبه بیش از یـک تن مواد مخـدر از نوع تریاک کشـف و ضبط شد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین موحدی‌راد، دادستان عمومی و انقلاب زاهدان از کشـف بیـش از یک تن مواد مخـدر خبر داد و گفت: صبح یکشـنبه، در یک عملیات در حومه زاهدان ۵۹۶ کیلوگرم تریاک کشف و ضبط شـد. وی ادامه داد: در جریـان این عملیات سه متهم دسـتگیر و روانه زندان شدند و دو دستگاه خودرو نیز توقیف شـد. دادسـتان عمومی و انقلاب زاهـدان تصریح کرد: همچنین در عملیات دیگری در محور خاش -زاهدان ۶۰۰ کیلوگرم تریاک و یک قبضه آرپی‌جی کشـف و در این راسـتا یک متهم دسـتگیر شد.حجت‌الاسلام‌والمسـلمین موحـدی‌راد در پایان خاطرنشان کرد: با توجه به اهمیت پیشگیری و مبارزه با رواج مواد مخدر، شناسایی و برخورد با قاچاقچیان مواد مخـدر یکی از مـوارد مورد تأکید اسـت که با همکاری نیروی انتظامی در سـطح استان به صورت جدی دنبال می‌شود.

کشف ۱۰۰ کیلوگرم تریاک در همدان

• **پلیس:** فرمانده انتظامی اسـتان همدان از کشـف صـد کیلوگـرم تریـاک در عملیاتی ضربتـی از یک قاچاقچی مواد مخدر خبر داد. سردار «حاجی‌محمد مهدیان‌نسب» در تشریح این خبر، گفت: با هماهنگی اطلاعاتی پلیس مبارزه با مواد مخدر همدان و پلیس مبارزه با مواد مخدر استان لرستان، مشخص شد یک قاچاقچـی حرفه‌ای قصد انتقال یـک محموله مواد مخدر از جنوب کشور و پس از آن انتقال به استان‌های غربی کشور را دارد. وی با بیان اینکه با اقدام به‌موقع و هوشمندانه پلیس مبارزه با مواد مخدر استان همدان و مأموران انتظامی شهرستان بهار به منظور جلوگیری از خردشدن مواد مخدر، محموله صدکیلوگرمی تریاک که داخل یک دستگاه تریلی جاسازی شده بود، کشف شد، افزود: مأموران یک متهم را در این رابطه دستگیر و خـودروی حامل مـواد را توقیف کردنـد. فرمانده انتظامی اسـتان همدان ادامه داد: استمرار عملیات مشترک پلیس با سایر اسـتان‌ها به منظور ضربه‌زدن به قاچاقچیان از برنامه‌های تعریف‌شـده‌ای است که همدلی، هم‌گرایی و هم‌پوشانی نیروی انتظامی را به نمایش می‌گذارد.

دستگیری جاعلان مدارک تحصیلی

• **فارس:** فرمانده انتظامی شهرستان فردیس گفت: جاعلان مدارک تحصیلی در این شهرسـتان دستگیر شدند. ایوب احمدی گفت: با دریافت گزارشی مبنی بـر صدور مدارک تحصیلی جعلی از سـوی افرادی در شهرسـتان فردیس موضوع به صـورت ویژه در دسـتور کار مأموران مبارزه با جرائم اقتصادی پلیس آگاهـی این شهرسـتان قرار گرفـت. وی ادامه داد: متهمـان مـدارک مجهول را با کپی‌بـرداری از روی نسخ اصلی مدارک دانشگاهی از طریق نرم‌افزارهای گرافیکـی تهیه و با جعـل مهر و امضای رؤسـای دانشـگاه‌ها اقدام به صدور مدارک به نام متقاضیان می‌کردند. این مسـئول گفت: مأموران با بررسی‌های نامحسـوس محل فعالیت‌های غیرقانونی دو نفر را که زن و شـوهر بودند، شناسـایی کردند و با کسب مجـوز قضائی وارد محل فعالیت آنها شـده و پس از دسـتگیری آنهـا را برای بازجویی و سـیر مراحل قانونی به اداره آگاهی منتقل کردند. احمدی اظهار کرد: در بازجویی‌های اولیه مشخص شد متهمان در ازای صـدور هر مدرک تحصیلـی مبلغ صد میلیون ریـال اخذ می‌کردند کـه در بازرسـی از دفتر آنها و گاوصندوق موجود، تعداد زیادی از مدارک تحصیلی که به صورت خام یا به اسم اشخاص مختلف صادر شده بود، کشـف شـد. فرمانده انتظامی شهرستان فردیس گفت: با توجه به اینکه افراد دستگیرشده از سابقه‌داران امر جعل بودند، اکثر مشتریان خود را از قشـر بی‌کار و جویای کار که نیاز به مدرک تحصیلی دارنـد، انتخـاب می‌کردند. وی با اشـاره بـه اینکه متهمـان مـدارک تحصیلی را منقش بـه مهرهای برجسـته و دارای برچسـب هولوگرام‌دار می‌کردند، افزود: این افراد جاعل در ازای جعل هر مدرک بسته به مقطع تحصیلی از ۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون ریال اخذ می‌کردند.

گفت‌وگوی «شرق» با نجات‌یافته و امدادگر ریزش بهمن سردشت

۱۴ ساعت عملیات مردمی برای نجات کولبران

شـرق: وضعیت کولبرانی که زیـر آوار بهمن گیر کرده بودند و زنده ماندند، به گفته اهالی منطقه چندان مساعد نیست و یخ‌زدگی جان برخی از آنها را تهدید می‌کند.

به گـزارش خبرنگار ما، ریزش بهمن شنبه‌شـب از طریـق بلندگوی مسـجد به اهالی محل گـزارش و از آنها خواسته شـد برای کمک به منطقه بروند. آن‌طور که اهالی گفته‌اند، بعـد از دیدن حجم عظیم بهمن و برفی که روی کولبـران را گرفته بود، همه از پیداکردن کولبرانی که زیر بهمن مانده بودند ناامید شدند تا اینکه بعد از ساعت‌ها جست‌وجو پای یکی از آنها در سفیدی برف پیدا شد.

آمار دقیقی از کولبرهای گرفتار نداشتیم

براساس گزارش‌های رسیده، بیش از دو هزار نفر از اهالـی منطقه برای نجات بـه محل حادثه رفته بودند، همچنین گزارش شـده از میان ۱۶ کولبری که در بهمن گرفتار بودند، چهار نفر کشته شدند؛ دو نفر در کما هسـتند و مابقی، زخمی‌هایی هستند که در بیمارستان بستری شده‌اند.

هر لحظه امکان داشت دوباره بهمن بیاید

خضـر مولایی، یکی از اهالی روسـتای بیوران که در عملیـات امداد که به صورت خودجـوش به راه افتاده بود شـرکت داشـت، دراین‌باره می‌گوید: حدود ساعت ۸:۳۰ شـب در خانه نشسته بودم که از بلندگوی مسجد اعلام کردند کولبران زیر بهمن گیر افتاده‌اند. به‌سـرعت لباس‌هایم را پوشـیدم تا به کمکشان بروم. پایم را که از خانه بیرون گذاشتم با تعداد زیادی از مردم روستا روبه‌رو شـدم، در خانه‌ها یکی پس از دیگری باز و به جمعیت حاضر افزوده می‌شد. به سمت محل حادثه رفتیم.

از همه روسـتاهای اطراف آمده بودند. نیشـکولان، کانی زرد، دوله‌گرم، درمان‌آباد، باوی، کونه‌مشکه، زوران، بیوران سـفلی و بیوران علیا اینها روستاهای نزدیک به محل حادثه بودند که مردم زودتر از بقیه توانسته بودند خود را به آنجا برسـانند، بعد از آن مردم دهستان آلان، دولکان، سنجوی، بیتوش و شـهرهای سردشت و خود سردشت نیز به ما پیوسـتند. تعداد زیادی از مردم آمده بودند؛ شاید بتوان گفت نزدیک دو هزار نفر بودیم. لحظه اول که خودمان را به کوه رسـاندیم نمی‌دانستیم دقیقا کجا این اتفاق افتاده اسـت. نزدیک به هشت الی ۱۰ بار در آن مکان بهمن ریزش کرده بود. هوا بسیار سرد بود و باد سـردی می‌وزید تمام صورتم یخ زده بود. برف ریش و سـبیل مردهایی را که برای کمک آمده بودند پوشانده بود. دو سـاعت از جسـت‌وجو در برف و بوران گذشته بود تا آن زمان نتوانسـتیم کسـی را پیـدا کنیم. کم‌کم داشـتیم ناامید می‌شدیم که چشـممان به پای یکی از کولبران افتاد که از بـرف بیرون زده بود. تمام بدنش در برف مدفون شـده بود. با تمام قدرت برف‌ها را از رویش کنار زدیم و جسـم بی‌جانش را از لابه‌لای برف‌ها بیرون کشیدیم. تلاش کردیم جسم یخ‌بسته‌اش را با ماساژدادن گرم کنیم، امـا مرده بود. کمی پـس از آن یکی دیگر از کولبران زیر لایه قطور و سفیدی از برف و یخ پیدا کردیم که خوشـبختانه نفس می‌کشید و توانستیم او را زنده از زیر برف بیرون بکشـیم. آمار دقیقی از کولبران‌گیرافتاده زیر بهمن در دستمان نبود. مردم روستای ما تا ساعت دو صبح توانستند سـه نفر دیگر را از زیر برف بیرون بکشند که فقط یک نفر از آنها زنده مانده بود. تقریبا تا سـاعت سه صبح در حال برف‌کوبی بودیم. تلفن‌های همراه آنتن نمی‌دادند با بیسـیم به ما خبر دادند دیگر کسی زیر برف نیسـت و همه را بیرون آورده‌اند. به سمت خانه به راه افتادیم در میان راه بودیم که خبر رسـید دو نفر دیگر از خانواده‌ها اعلام مفقودی کرده‌اند. به محل برگشـتیم تا آنهـا را پیدا کنیم. نزدیک سـاعت ۵:۳۰ صبح بود. هیچ آمار دقیقی در دسـت نبـود. یکی از بچه‌هـای مهاباد خبر آورد کـه یکی دیگر از خانواده‌های مهاباد نیز اعلام مفقودی کرده اسـت. صبح باز هم به بالای کوه رفتیم. این آماری اسـت کـه من دارم اما الان هـم به ما اعلام کردند بازم هم دو نفر دیگر مفقود هستند. می‌ترسیدیم دوباره بهمن بیاید اما مجبور بودیم نمی‌توانستیم آنها را همین‌طور رها کنیم. همه آمده بودند؛ پیر و جوان حتی مردانی در جمع حضور داشـتند که ۷۰ سـال داشتند، جوانان‌ها همه آمده بودند.

میلگرد، چوب و هر چیزی که دم دسـتمان بود را در برف‌ها فرو می‌کردیم اگر به جسـمی برخورد می‌کرد با بیل برف‌ها را کنار می‌زدیم. او می‌گوید: تقریبا همه مردم اینجا کولبری می‌کنند تقریبا ۱۵۰ کولبر از ۱۲۰خانه‌ای که در اینجا زندگی می‌کنند از این راه امرار معاش می‌کنند. درست اسـت که راه خطرناک است اما وقتی نانی برای خوردن نداشته باشـیم از اجبار رو به کولبری می‌آوریم. شش ماه از سال برف و بوران جانمان را تهدید می‌کند و شش ماه دیگر انفجار مین و سایر اتفاقات.

او که خودش هم کولبر است، می‌گوید: ریزش بهمن خیلی بد اسـت. وقتی کولبری در این سرما و برف بیرون مـی‌رود با توجه به شـرایط آب‌وهوایـی می‌داند حتما بهمنی ریزش خواهد کـرد. مثل ویرانی محض می‌ماند اما چاره‌ای نیست. راستش این اولین‌بار نیست که این‌طور ما کولبرها به داد هم می‌رسیم همیشه همین‌طور بوده است. بلندگوی مسجد برای ما حکم اخبار را دارد. وقتی اعلام می‌کند اتفاقی افتاده است همه می‌آیند. در زمستان می‌توان گفت همه مردها همیشه منتظر چنین اتفاقاتی هستند. وقتی بهمن روی فردی ریزش می‌کند زیر برف و یخ‌ماندن یک‌طرف، سرمازدگی یک طرف دیگر. خیلی‌ها از سـرمازدگی می‌میرند، الان هم تعدادی در بیمارستان بستری شده‌اند که گفته می‌شود سرمازده شده‌اند و حال خوبی ندارند. نجات از سـرمازدگی خیلی سخت است. امیـدوارم خداوند آنها را به خانواده‌هایشـان ببخشـد. خضر مولایی درباره اینکه نگران نبود برای خودش هم مشکلی به وجود بیاید، می‌گوید: راستش نگران که بودم چون هر لحظه امکان داشت بهمن دوباره ریزش کند و ما هم زیر بهمن بمانیم. برف هنوز تازه و سبک و احتمال اینکه حرکت کنـد زیاد بود. خدا کمکمان کرد که بهمن دوباره‌ای نیامد. اما نمی‌شد کولبرهایی که زیر آوار مانده بودند، را هم رها کنیم. آنها هم زن و بچه داشتند. مجبور بودیم خطر را به جـان بخریم. ضمن اینکه ما خودمان کولبر هستیم، مسـیر را خوب می‌شناسیم و پیچ‌وخم‌ها را می‌دانیم؛ اینکه زمسـتان کولبر از کدام سمت می‌رود و تابستان از کدام مسـیر، بنابراین ما خودمان باید کار را دستمان می‌گرفتیم.

کولبر نجات یافته: هرچه جلوتر می‌رفتیم کولاک سنگین‌تر می‌شد

همچنین رزگار علیزاده، یکی از نجات‌یافتگان حادثه بهمن سردشت که شـغل خودش هم کولبری است و ۲۵ سـال دارد، برای خبرنگار مـا آن لحظات را که روی خط مرگ یا زندگی قرار داشت، توضیح داد: تقریبا ساعت چهار عصر بود، سـه دسـته از کولبـران دور هم جمع شـده بودند و درباره بار پارچه و سـیگاری که آن طرف مـرز بود حرف می‌زدنـد. گفتند برویـم و آن را بیاوریم؛ چند روزی اسـت کـه کار نکرده‌ایم و دسـتمان خالی اسـت. هوا خیلی بد بود؛ اما در نهایت کولبران تصمیم گرفتنـد برای کار به برف و بوران تن بدهند. از روسـتای بیوران علیـا، پیاده به طرف کوه و دره‌هـای مرز ایران و عـراق به حرکت درآمدیم. یکی از دسـته‌ها در میان راه پشـیمان شدند و تصمیم گرفتند به روسـتا برگردند. به مـا هم گفتند برگردیم؛ اما بسـیاری از کولبران گفتند ما آمده‌ایم برای زن و بچه‌هایمان پول دربیاوریم و کار کنیم، نمی‌توانیم دسـت خالی به خانه برگردیـم. تعدادی از کولبران به روسـتا بازگشـتند؛ اما بقیه به راه خود ادامه دادنـد. کولبرانی که باقی مانده بودند اهل روسـتاهای اطراف بودند و با راه کامل آشـنا نبودند. تنها کسی که با راه آشـنایی داشت، من بودم. به آنها گفتم هوا بد است؛ هنوز بالای کوه نرسـیده‌ایم هوا این‌طور است، به بالای کوه برسیم دیگر نمی‌توانیم جلوی پایمان را هم ببینیم. از آنها خواستم به روستاهایشان برگردند. در پاسخ گفتند مجبوریم؛ اگر این کار را نکنیم چه کسی نان زن و بچه ما را می‌دهد. نمی‌دانسـتم چه کار کنم می‌دانستم هرچه جلوتر برویم، باد و کولاک سنگین‌تر می‌شود؛ اما نتوانستم آنها را تنها بگذارم و به خانه برگردم. به خودم گفتم تنها کسـی که راه را بلد اسـت، من هستم؛ بهتر است با آنها بروم، هر اتفاقی هم افتاد اشکال ندارد بگذار سر من هم بیایـد. به راه ادامه دادیم. تقریبـا به آخرین نقطه مرزی رسـیده بودیم. برف و کولاک شـدت پیدا کرده بود. باد بعضی از کولبران را به زمین زد. به‌سختی جلوی پایمان را می‌دیدیم. ناگهان صدای دسته‌ای دیگر از کولبران به گوشـم رسید، آنها متوجه ما شده بودند و فریاد زدند که به آنها کمک کنیم. چراغ قوه را روشـن کردم، به دسته کولبرانی کـه با من بودند، گفتم شـما اینجا بمانید من به کمکشـان می‌روم. خودم را به دسـته‌ای ۴۰ نفری از کولبران رساندم. راهشان را گم‌کرده بودند و ساعت‌ها در برف و کولاک دنبال راه بازگشت بودند. وی ادامه داد: راه را به آنها نشـان دادم و به گروه خودمان پیوستم. ۱۲ نفر از کولبران به روسـتا برگشته بودند، هشت نفر دیگر هم مانده بودند تا با من به روستا برگردند. تنها راه رسیدن به روستا، گذشتن از دره «نه ق لقه» بود. سه نفر از پشت سر از کنار من به‌سرعت به طرف پایین حرکت کردند. از آنها خواستم یواش‌تر حرکت کنند؛ چون احتمال بهمن وجود دارد. چند ثانیه از حرف من نگذشته بود که بهمن آمد و آنها را بلعید. به‌سرعت به طرف آنها حرکت کردم؛ فقط دستشان از برف بیرون مانده بود. با دست، برف‌ها را کنار زدیم تا آنها را بیرون بیاوریم. دسـت‌هایمان یخ زده بود و تقریبا دیگر حس نداشـت؛ اما توانستیم آنها را نجات دهیم. به راه خود ادامـه دادیم که ناگهان صدایی آمد، سـرم را که برگرداندم، دیگر نفهمیدم چه شد فقط سرم از بـرف بیرون مانده بود. نمی‌توانسـتم حرکت کنم. دو نفر از کولبران توانسته بودند خود را نجات دهند، از آنها خواستم جلو نیایند، ممکن است باز هم بهمن بیاید؛ اما نتوانستند تحمل کنند و من را نجات دادند. خوشبختانه بهمن هم نیامد. پاها و قفسـه سینه‌ام آسیب دیده بود، نمی‌توانستم نفس بکشم، دو تا از کولبران من را تا پایین همراهی کردند. چندین بهمن دره را پوشانده بود. تقریبا بـه پایین دره رسـیدیم؛ اما هیچ‌کـس را در راه ندیدیم. پاهایم سسـت شـده با برادر بزرگم تماس گرفتم و از او خواستم به دادمان برسد، کولبران زیر بهمن‌گیر افتاده‌اند. این نجات یافته ادامه می‌دهد: او هم به بقیه خبر داد تا برای کمک خود را به ما برسانند. آنهایی که با ما بودند، هیچ‌کدام بالای ۳۰ سال نداشـتند. یکی از کولبرانی که جان خود را از دسـت داد، فقط ۱۸ سال داشت. شیرزاد یک فرزند فلج در خانه داشت. از سر نداری زن و بچه‌اش را رهـا کرد و خودش را به برف و کـولاک زد. در نهایت جانش را در این راه از دست داد.

رئیس هلال احمر سردشت: مردم راهنمای ما بودند

فایـق عبدالـه‌زاده، رئـیس جمعیـت هلال‌احمر شهرسـتان سردشت می‌گوید: روز شـنبه ساعت ۲۰:۴۰ سـقوط بهمن در کوه و دره‌های سردشت اتفاق می‌افتد که سـاعت ۲۰:۵۸ به ما اطلاع داده شد و در فراخوانی که به ما اعلام شد دو تیم امدادی به منطقه اعزام کردیم تعدادی از کوه‌نوردان داوطلب نیز برای کمک به تیم ما پیوستند. سـاعت ۲۱:۱۰ نیروها خود را به محل رساندند و عملیات امدادی اول از آن سـاعت تا ۵:۳۰ ادامه پیدا کرد. در مرحله دوم طی جلسه‌ای که شورای هماهنگی بحران برگـزار کرد بـاز نیروها به محل اعزام شـدند و تا سـاعت ۱۲:۴۰ عملیـات ادامه داشـت. درکل ۱۶ نفر حادثه‌دیده داشـت که سـه نفر از آنها سالم بودند. سه نفر دیگر نیز به صورت سـرپایی مداوا شدند و چهار نفر فوتی داشتیم و شش نفر دیگر به بیمارستان امام‌خمینی انتقال داده شدند و تحت درمان هستند. سرچمه‌قردان به سـمت مرز در محدوده روسـتای بیوران علیا است. فراخوانی داده شـد که اگر فردی از خانواده‌ای به خانه بازنگشته و مفقود شـده به ما اعلام کنند. با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرند یا به شـورای هماهنگی بحران مراجعه کنند. تاکنـون شـخصی مراجعه نکرده فقـط یکی از کولبران یافت نشـده بود که صبـح او را پیدا کردند که متأسفانه جان خود را از دست داد. عملیات ساعت ۱۲:۴۰ ظهر یکشـنبه پایان یافت. باز عوامل خود را نیز به محل فرستادیم که به برای اطمینان بیشتر به محل بروند. تیم پشـتیبانی که از نقده به محل اعزام شـده‌اند به صورت تخصصی این کار را انجـام می‌دهند و درحال‌حاضر در محل هسـتند. احتمال اینکه شـخص دیگری زیر برف مانده باشد بسیار ضعیف است. بیش از هزار نفر از مردم برای جسـت‌وجو در محل حضور پیـدا کردند. حضور مردم هم کارساز بود هم مشکل‌ساز. حضور مردم بسیار به سرعت عملیات و نجات کولبران کمک کرد اما چون مردم امکانات و تجهیزات لازم در شرایط ریزش بهمن را نداشـتند و هر لحظه امکان سقوط بهمن وجود داشت، ایـن ترس را در ما ایجاد کرد که خوشـبختانه این اتفاق نیفتاد. مردم هم راهنمای ما بودند چون با منطقه کاملا آشـنا بودند، راهی که می‌رفتیـم راه اصلی نبود یک راه فرعی بود. اکثر حادثه‌دیده‌ها جوان بودند کم‌سن‌ترینشان ۱۷ سال داشت و مسن‌ترینشان ۳۷. سن افرادی که جان خود را در این حادثه از دسـت دادند بین ۱۸تا ۲۷ سـال بود. شهرهای مرزی همه مطلع شده‌اند اگر کسی باشد به ما اعلام می‌کنند. باز اگر به ما اعلام شـود، عملیات را شـروع خواهیم کرد. اما حالا نیز افراد ما در آنجا مستقر هستند. تا پایان عملیات تیم سردشت بود بعد از آن تیم تخصصی از نقده اعزام شـد. براساس آخرین گزارش‌ها، علی محمدنژاد، ۱۹سـاله، شـیرزاد عبدالهی ۲۷ساله و اهل سردشـت، هیوا ابراهیمی‌نیا، ۲۲ساله و اهل بانه و محمد حمزه‌زاده، ۲۱سـاله و اهـل مهاباد در ریزش این بهمن کشته شـده‌اند و احتمال می‌رود افراد دیگری نیز زیر بهمن باشند.

اسامی مجروحان حادثه ریزش بهمن

- جعفر احمدیان ۲۷ساله،
- غریب علیزاده ۳۷ساله،
- آریا شیخ‌پور ۱۷ساله،
- رزگار علیزاده ۲۵ساله،
- قاسم محمدخدر ۳۱ساله،
- هِدی ظاهری ۲۴ساله،

عکس: هلال احمر سردشت

رخداد

دست کارگر جوان در دستگاه پرس صحافی گرفتار شد

• **باشـگاه خبرنگاران جـوان:** یک کارگـر جوان در چاپخانه مشـغول کارکردن با دستگاه پرس صحافی بود که ناگهان بر اثر بی‌احتیاطی دسـت چپ وی در دسـتگاه گیر کرد. در پی تماس کارگران یک چاپخانه با سـامانه ۱۲۵ و اعلام بروز حادثه‌ای که در آن دست کارگری در دسـتگاه پـرس صحافی گیر کـرده بود، ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران بلافاصله سـاعت ۱۳ روز گذشته آتش‌نشانان ایستگاه ۱۲۰ را به خیابان سـتارخان، خیابان نامجـو جنوبی اعزام کرد. عباس جعفری، فرمانده آتش‌نشانان اعزامی دراین‌باره اظهار کـرد: کارگر جوانی در یک چاپخانه مشـغول کارکردن با دسـتگاه پرس صحافی بود که ناگهان بر اثر بی‌احتیاطی دسـت چپ وی در دستگاه گیر کرد. وی افزود: آتش‌نشـانان به سرعت و با دقت بسیار با استفاده از تجهیزات لازم، قطعات دستگاه را باز کرده و دست این کارگر جوان را که دچار آسیب‌دیدگی شده بود، خارج کردند.

دستگیری سارق با اتهام ۲۰ فقره سرقت

• **پلیس:** فرمانده انتظامی «رفسنجان» از دستگیری یک سارق و کشف ۲۰ فقره سرقت به وسیله مأموران تجسس کلانتری ۱۳ این شهرستان خبر داد. سرهنگ «نصرالله عباسـی» گفت: در پی وقوع سـرقت‌های متعدد در حوزه کلانتری ۱۳ موضوع دستگیری سارق یا سـارقان به صورت ویـژه در دسـتور کار مأموران تجسـس این کلانتری قـرار گرفـت. وی ادامه داد: مأموران با اقدامات پلیسی و تلاش شبانه‌روزی موفق به شناسایی سـارق و مخفیگاهش شدند که پس از اخذ دسـتور مقام قضائی در یک عملیات غافلگیرانه وی را دسـتگیر کردند. سـرهنگ عباسی گفت: متهم پس از دسـتگیری و بازجویی‌های فنی و تخصصی و با ارائه مسـتندات و مدارک به انجام ۲۰ فقره سرقت منزل، قطعات خودرو، سـاختمان نیمه‌کاره، احشام و اماکن متبرکه اعتراف کرد. این مقام انتظامی تصریح کرد: متهم با تشکیل پرونده مقدماتی به پلیس آگاهی شهرسـتان برای سـیر مراحل قانونی و شناسـایی و استرداد اموال مال‌باختگان، منتقل شد.

دستگیری عامل تیراندازی مرگ‌بار ایرانشهر

• **میـزان:** فرمانده انتظامی شهرسـتان ایرانشـهر از شناسایی و دستگیری قاتل فراری در کمتر از دو ماه در عملیات هدفمند پلیس خبر داد. سـرهنگ دوستعلی جلیلیان گفت: قتلی در ۲۱ آذر ماه در یکی از روستاهای شهرسـتان «ایرانشـهر» اتفاق افتاد و این موضوع به پلیس گزارش شد، بعد از اطلاع از مخفیگاه متهم در این شهرستان، وی شناسایی و دستگیری او به صورت ویژه در دسـتور کار کارآگاهان پلیس آگاهی این فرماندهی قـرار گرفـت. وی افزود: بـا تحقیقات و بررسـی‌های انجام‌شـده کارآگاهان، مشخص شـد متهم که مردی ۴۰سـاله اسـت بعد از ارتکاب به قتل از طریق شلیک گلوله، از محل متواری شـده اسـت. جلیلیان تصریح کرد: کارآگاهان پلیس با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی از سکونت این قاتل فراری در یکی از محلات شهرستان باخبر شدند و پس از هماهنگی با مقام قضائی، محل اختفای قاتل را شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر کردند. فرمانده انتظامی ایرانشهر با بیان اینکه دلیل قتل اختلاف شـخصی و انتقام‌جویی بوده، تصریـح کرد: متهم کـه به بزه انتسـابی اعتراف کرده اسـت، پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضائی تحویل داده شد. سرهنگ جلیلیان در پایان خاطرنشـان کرد: همکاری و همراهی شهروندان با پلیس در به‌دسـت‌آمدن موفقیت در مأموریت‌های مختلـف پلیس تأثیرگذار اسـت و بدون شـک بخش مهمی از توفیقـات پلیس مرهون همـکاری مردم با نیروی انتظامی است.